نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۲، بهار ۱۴۰۳

واکاوی تاریخی از جغرافیای منطقه شمال‌شرق ایران و رویکردهای دولت – ملت به قرارداد آخال

دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۱۱ **پذیرش نهایی**: ۹۹/۵/۲۲

صفحات: ۱۵۵-۱۳۹

علیرضا مهاجری: پژوهشگر تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: mohajerialireza1384@gmail.com
رضا شعبانی: استاد گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران[1].
Email: reza.shaabani@gmail.com
سینا فروزش: استاد گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: sinaforoozesh@gmail.com

چکیده

دوره حکومت قاجارها را باید دوران عقد قراردادها، عهدنامه‌ها و پیمان‌های متعدد اقتصادی ـ سیاسی و نظامی دانست. توسعه‌طلبی‌های ارضی، تجاری و اقتصادی که به‌وسیله سیاستمداران زیرک دولت‌های خارجی با قدرت برتر نظامی بر ایران تحمیل شدند و منافع فراوانی از قِبل این معاهدات و قراردادها عاید این کشورها به‌خصوص روسیه شد. به دنبال آن تحولات جغرافیایی و تاریخی در سرزمین‌های ترکمن نشینِ شمال شرق ایران نیز آغاز شد. این مقاله با هدف واکاوی جغرافیای تاریخی منطقه خراسان در شمال شرق و رویکرد دولت – ملت ایران به قرارداد آخال تهیه شده است. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. داده‌های تحقیق از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. تجزیه‌وتحلیل مقاله هم با رویکرد کیفی و مبتنی بر اسناد و استدلال صورت گرفته است. نتایج تحلیلی بیانگر تغییرات جغرافیایی و مرزی در حوزه شمالی ایران شد. به‌طوری‌که طی معاهده آخال بخش‌هایی از مناطق شمال شرق ایران ضمیمه کشور روسیه شد و جغرافیای تاریخی ایران در شمال شرق دستخوش تغییرات سیاسی – اجتماعی و واکنش قوم ترکمن شد درحالی‌که عکس‌العملی در میان دولتمردان قاجار به وجود نیامد.

کلید واژگان: جغرافیای تاریخی، دولت قاجار، معاهده آخال، ترکمن‌ها

---

۱. **نویسنده مسئول:** تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه تاریخ،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

مقدمه

در ۱۴ دسامبر ۱۸۸۱ برابر با ۲۳ آذر ۱۲۶۰ ه.ش با حضور میرزا سعیدخان موتمن الملک وزیر خارجه ایران و ایوان زینوویف، وزیر مختار روسیه در تهران، قراردادی بین ایران و روسیه منعقد گردید که به آخال شهرت یافت. این قرارداد در پی تصاحب گسترده ترکستان و بخش خاوری دریای مازندران بود (نایب،۱۳۹۵: ۸۲). قرارداد مزبور که در نُه فصل منعقد شد منجر به واگذاری بخش گسترده‌ای از ایران و ضمیمه آن به روسیه گردید و عملاً موجب تغییر در جغرافیای شمال شرق ایران و حدود سرزمینی شد شکل (۱).

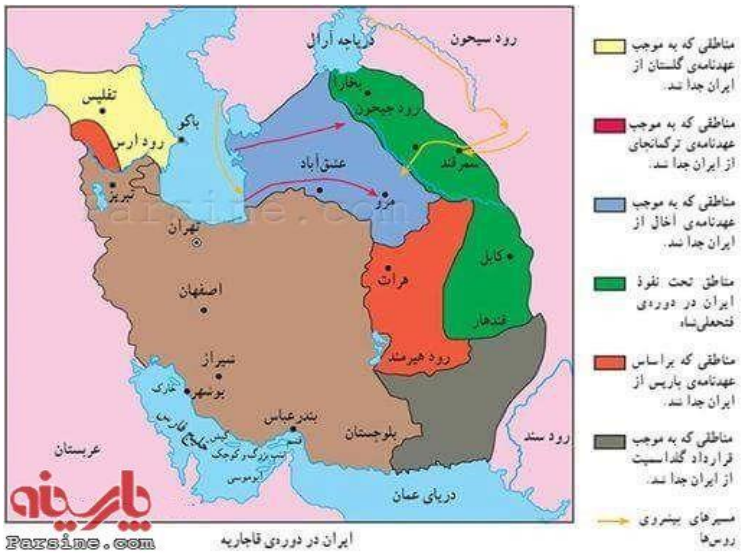

شکل (۱). موقعیت ایران در دوره ناصرالدین‌شاه و سرزمین‌های جداشده بر اساس قرارداد آخال

از طرفی، در آن‌سوی دریای خزر، به دلایل فقدان اقتدار حکومت مرکزی ایران بر منطقه آسیای مرکزی، دست‌اندازی ترکمانان و سرانجام شکست ایران در جنگ مرو (۱۸۶۰ م/۱۲۳۹ ش) در مقابل ترکمن‌ها، روس‌ها را بر آن داشت تا به‌منظور ایجاد یک جاده مستقیم به آسیای مرکزی با هدف توسعه روابط تجاری و دست‌یازی به منافع دولت انگلستان در هند به آن منطقه نفوذ کنند (قصابی گزکوه و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۴). به دنبال کاهش نفوذ دولت مرکزی ایران به مناطقی چون مرو، بخارا، خیوه و سایر نواحی ترکستان که خوانین آن‌ها تا زمان فتحعلی شاه از دولت ایران اطاعت می‌کردند، هرچند حاکمیت ایران بر این نواحی به شکل صوری اعمال می‌شد؛ اما پس از شکست‌های ایران از روسیه، نفوذ مادی و معنوی ایران در این سرزمین‌ها از بین رفت و خوانین این مناطق دیگر به حکومت ایران اعتنایی نداشته، خود را مستقل می‌دانستند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۵: ۲۸۳). بااین‌حال دولت ایران حاضر به پذیرش استقلال آن‌ها نبود و چندین بار توانست سرکشی خوانین مرو و خیوه را سرکوب کند تا اینکه در جنگ مرو (۱۸۶۰ م / ۱۲۳۹ ش) ترکمانان شکست سختی بر قشون ایران وارد کردند (مستوفی، ۱۳۸۸: ۹۳) و ازآن‌پس بر قاجارها مسلم شد که نمی‌توانند در این سرزمین نفوذ داشته باشند. دولت روسیه از نتایج جنگ مرو بهره‌برداری کرد و بر شدت و سرعت حملات خود بر ترکمن‌ها افزود. دربار و رجال ایران پس از ناکامی و تجربه تلخ شکست در دو دوره جنگ مقابل روس‌ها دچار نوعی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

سرخوردگی شدند. آن‌ها که خود را قادر به مقابله با روس‌ها نمی‌دیدند، از تحرکات تنش‌زا با طوایف ترکمن دست برداشتند و ناچار برای پیشگیری از حملات آن‌ها با پیش‌روی روس‌ها کنار آمدند. همچنین با توجه به اینکه، شرارت‌های طوایف ترکمن در آخال همه‌ساله موجب صدمات و خسارات بی‌اندازه به نواحی خراسان در شمال شرق ایران می‌شد و همه‌وقت باید برای جلوگیری از حملات آن‌ها نیروی نظامی در سرحدات می‌گماردند؛ دولت ایران بهتر دانست تدبیر و تنبیه آن‌ها را بر عهده دولت روس واگذار کند. ازاین‌رو، ناصرالدین‌شاه سیاستِ سرکوبِ طوایف و قبایل شورشی را به غیر (دولت روسیه) در پیش گرفت (قصابی‌گزکوه و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰-۸۵). به نظر می‌رسد واگذاری سرکوب ایلات و طوایف شورشی به دولت روسیه با هدف خلاص شدن از شورش آن‌ها و گرفتنِ تضمین از روس‌ها برای مهار ترکمنان مهاجم، حداقل تنها راه‌حل موجود و البته کم‌هزینه بود. از طرفی کشور روسیه که سیاست پترکبیر برای رسیدن به آب‌های گرم را همیشه مدنظر داشت و حرکت به سمت جنوب را در سرلوحه اقدامات خود داشت، موفق شد علاوه بر مناطق قفقاز مرکزی و جنوبی، در آسیای میانه نیز مناطق وسیعی را ضمیمه خاک خود نماید و آن‌ها را در بسیاری موارد و برای اخذ امتیازات بیشتر از ایران همراه خود نمایند. حکومت قاجارها و شیوه حکمرانی و فرمانروایی آن‌ها در رسیدن روس‌ها به خواسته‌هایشان کمک شایانی نمود (نایب‌پور، ۱۳۹۵: ۸۳). انحطاط، فساد و سوء تشکیلات دستگاه دولتی از مهم‌ترین عواملی بود که به گسترش نفوذ روس‌ها در ایران کمک کرده بود.

این مقاله با هدف واکاوی جغرافیای تاریخی منطقه خراسان در شمال شرق و رویکرد دولت - ملت ایران به قرارداد آخال تهیه شده است. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. مقاله به دنبال پاسخ به این است که چرا انعقاد قرارداد آخال، برخلاف قراردادهای دوره قاجار، واکنش آن‌چنانی بین دولت‌مردان قاجار ایجاد نکرد؟ و تغییرات مرزها در شمال شرق و منطقه خراسان چه وضعی در جغرافیای تاریخی به وجود آورده است؟

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. داده‌های تحقیق از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. تجزیه‌وتحلیل اطلاعات هم با رویکرد کیفی و مبتنی بر اسناد و منطق و استدلال صورت گرفته است. در راستای پاسخگویی به سؤال تحقیق و دستیابی به اهداف تعیین‌شده، از رویکرد تحلیل محتوا نیز استفاده شده است که در آن به تفسیر محتوایی داده‌های کیفی مربوطه پرداخته شده است.

نتایج

سیاست دولت قاجار در برابر ترکمن‌ها (جنگ مرو)

این جنگ در سال م ۱۸۶۰/ ۱۲۳۹ ش، میان ترکمن‌ها و قوای ایران به فرماندهی حشمت‌الدوله والی خراسان در زمان وزارت قوام‌الدوله روی داد. سپاه ایران با وجود پیشرفت‌های اولیه به علت ضعف فرماندهی شکست خورد و هزاران سرباز ایرانی اسیر ترکمن‌ها شدند. این جنگ، بزرگ‌ترین حادثه‌ی سیاسی در تاریخ ترکمن‌ها در عصر قاجاریه به‌حساب می‌آید. در به وجود آمدن این جنگ، عواملی دخالت داشت که عبارت‌اند از: زندانی شدن هشتاد نفر از سران ترکمان که به نشستی در مشهد دعوت شده بودند که این امر خشم ترکمن‌ها را در بر داشت در سال ۱۸۵۷ م/ ۱۲۳۶ ش همچنین ناصرالدین‌شاه قصد داشت با فتح مرو، فتوحات آینده را در خاک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

ترکستان تدارک ببیند. اردوکشی مرو در حقیقت علیه حکومت بخارا انجام گرفت. عامل دیگر، نقش انگلیسی‌ها در تحریک ایرانی‌ها بود که از نفوذ تدریجی روس‌ها در ترکستان غربی بیمناک بودند. مسئله‌ی سوم، آن بود که دولت روسیه با وجود فتح سیبری و ترکستان شرقی و قرقیزستان تا سال ۱۸۵۹ م/۱۲۳۸ ش هنوز نتوانسته بود سواران ترکمن را شکست دهد و ناصرالدین‌شاه می‌کوشید از تصرف برخی نواحی به دست روس‌ها جلوگیری نماید. عامل دیگر جنگ ساخته‌شدن قلعه‌ی ناصری در نواحی سرخس بود (سرافرازی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). در این جنگ ترکمن‌های مرو و تجن با هم متحد شده، به قلعه‌ی سرخس حمله نمودند. در این جنگ شکست سختی بر نیروهای دولتی وارد شد. (گلی، ۱۳۶۶: ۱۳۵). رابطه دولت ایران با رعایای ترکمن خود در مرزهای شمال شرق کشور به دلیل شکست سپاه ایران از ترکمن‌ها در نبرد مرو و عملکرد نادرست ترکمن‌ها (حملات آن‌ها به شهرها و روستاهای شمال شرق ایران و وحشت در بین ساکنان آن) که در بعضی مواقع با حمایت و پشتیبانی والیان (ایلخانی‌های) شهرهای مرزی شمال شرق کشور صورت می‌گرفت، تیره بود و هر چه زمان می‌گذشت، شدّت بیشتری نیز می‌یافت. به‌طوری‌که ناصرالدین‌شاه در ادامه همین واکنش‌ها دستور حمله علیه ترکمن‌ها را داد. اما واقعیت آن است که هیچ‌وقت این دستورها عملی نگردید، چراکه ایلخانان خراسان هرگز حاضر نبودند به خاطر همکاری با حشمت‌الدوله حاکم خراسان، علیه ترکمن‌ها در مناطق تحت سلطه خود ایجاد ناامنی کنند. لهذا طرح حمله به آخال و تجن منتفی شد. پس‌ازآن نیز ایلخانان به این نتیجه رسیدند که با مذاکره و انعقاد قرارداد صلح با ترکمانان آخال تکه مانع حملات آنان به نواحی مرزی ایران شوند (ملایی، ۱۳۹۰: ۳۳۶). جنگ مرو آخرین زورآزمایی ارتش ایران در قرن نوزدهم بوده است. این بزرگ‌ترین حرکت نظامی ناصرالدین‌شاه به ترکستان و خام‌ترین و پر اغتشاش‌ترین عملیات دولت قاجار بود. کدورت‌های تاریخی قاجارها از ترکمن‌ها در این جنگ به اوج خود رسیده بود. لاکن دولت تصمیم گرفت که از راه سیاست و تدبیر، دوستی روسای ترکمن را جلب کند و ترکمانان آن ناحیه را به اطاعت از دربار ایران برانگیزد، (سرافرازی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)؛ اما به دنبال جنگ مرو دامنه تجاوزات ترکمن‌ها به خراسان گسترش یافت و مأمورین انتظامات طرقبه ناچار برای آن‌ها جاسوسی کرده و در تاراج اهالی با آن‌ها شرکت می‌کردند. این شکست‌ها تا مدت‌ها هرگونه اعتماد را از قوای نظامی ایران و ناصرالدین‌شاه سلب کرد و تا حدود زیادی به غرور و ثروت ترکمن‌ها افزود. چون کلیه بار و بنه ارتش و تعداد زیادی حیوانات بارکش را غنیمت گرفته بودند و فدیه‌ای زیادی برای آزادی اسرا به آن‌ها پرداخت شده بود لذا در اختیار گرفتن این غنائم باعث شد تا در چپاول حریص‌تر شده و تا سال‌ها بعد به تهاجمات خود ادامه دهند (مرادی و شبانی ثانی، ۱۳۹۲: ۸۰). از طرفی سربازان و نیروهای نظامی دولت ایران که برای جنگ با ترکمن‌ها فرستاده می‌شدند گروه دیگری از اسرای ترکمن‌ها را تشکیل می‌دادند که غالباً در شبیخون زدن-های ناگهانی ترکمن‌ها به اردوگاه‌های ایرانی ربوده می‌شدند. سواران اِلامان[۲] در اطراف اردو تاخت‌وتاز می‌کردند و حتی‌المقدور در بردن اسیر کوشش می‌کردند و به انحا مختلف شب‌ها از کنار اردو سوار را می‌دزدیدند و

۲. حمله ترکمن‌ها به اقوام دیگر دو نوع بود: یکی را «الامان» و دیگری را «چپو» می‌گفتند. «الامان» یک یورش طبق نقشه و «چپو» یورش ناگهانی بود. هر دوی اینها نتایج مشابهی داشت. در این حملات آن‌ها به چند دسته می‌شدند و یک یا دو دفعه نه بیشتر به هدف موردنظرشان حمله می‌کردند و طبق ضرب‌المثل ملی خود که دومرتبه امتحان کنید و دفعه سوم دهنه را برگردانید (ایکی دن ئوچه دن) عمل می‌کردند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

می‌بردند. در حادثه مرو (جنگ ترکمن) که ایرانیان با سپاه ۲۲ هزارنفری در مقابل سپاه ۵ هزارنفری ترکمن شکست خوردند، تعداد اسرای ایرانی به حدی زیاد بود که قیمت اسیر و برده در خیوه و بخارا به پایین‌ترین قیمت خود رسید (زرگری نژاد و علیپور، ۱۳۸۸: ۲۸). ترکمانان علاوه بر تاخت‌وتاز به شهرها و روستاها و تاراج آن‌ها و به اسارت گرفتن مردم، در مسیر راه‌ها به غارت و اسارت کاروان‌های تجاری و قافله‌های زوار مشهد می‌پرداختند. اسرایی که توسط ترکمانان گرفتار می‌شدند با دست و پای بسته و در زنجیر به سمت بازارهای برده‌فروشی تاشکند، خیوه، بخارا، مرو و دیگر شهرهای آسیای میانه برده شده و در آنجا به فروش می‌رسیدند و بازارها برده‌فروشی بخارا آن‌قدر از اسیران شیعه پرشده بود که به قول وامبری کسی پیدا نمی‌شد یک مرد شیعه تندرست و توانا را کمتر از یک فرانک بخرد. اسرا اگر از وضعیت مالی مساعدی برخوردار بودند می‌توانستند با پرداخت فدیه آزادی خود را به دست آورند. لیدی شل کسانی را در کنار سفارت‌خانه دیده که زنجیری بر گردن آویخته‌اند که نشان اسارت دختران یا پسرانشان به دست ترکمانان بود و چون پولی نداشتند تا بتوانند آن‌ها را بخرند از رهگذران و اعضای سفارت درخواست خیرات داشتند (مرادی و شبانی ثانی، ۱۳۹۲: ۷۸). جیمز موریه در مورد بیچارگی و استیصال بردگان ایرانی در دست ترکمنان بر قتل و جنایت تأکید دارد (موریه، ۱۳۸۶: ۳۱۷). افزایش آدم‌ربایی و تهاجمات ترکمن‌ها در شمال شرق و منطقه خراسان، در کنار فشار دولت روسیه به‌منظور برقراری آرامش و امنیت در مرزهای خود، بهانه کافی برای لشکرکشی و تدارک جنگ علیه ترکمانان مناطق سرحدی را به دولت ایران داد. (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۵۸). در پی تجاوزات ترکمن‌های آخال روسیه به مرزهای ایران در سال ۱۸۸۰ م/۱۲۵۹ ش ناصرالدین‌شاه دستور کیفر و تنبیه آنان را صادر کرد (صفایی، ۱۳۵۵: ۱۶). سیاست‌ها و برخوردهای نادرست دولتمردان قاجار در تحریک ترکمن‌ها و در نتیجه تشدید این وضعیت باعث شد دشمنی‌ها تا مدت‌ها پابرجا بماند که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- قتل و کشتار بزرگ ایلات ترکمن و اسارت تعداد زیادی از زنان و کودکان آن‌ها و غارت و سوزاندن سرزمینشان توسط لشکریان آقا محمدخان قاجار در سال ۱۷۹۵ م/۱۲۵۹ ش باعث شد کینه‌های گذشته دو قوم نسبت به یکدیگر تجدید شود و خصومت آشتی‌ناپذیر و پایداری میان ترکمن‌ها و خاندان قاجار پدید آید که نتیجه شوم آن گریبان گیر مردمان بی‌دفاع مناطق مرزی و روستایی شمال ایران شد.

۲- لشکرکشی عباس میرزا نایب‌السلطنه به خراسان در سال ۱۸۳۰ م/۱۲۱۰ ش؛ که به کشتار و اسارت تعداد زیادی ترکمن و غارت و تخریب مساکنشان منجر شد نه‌تنها فتنه این ایلات چادرنشین را از بین نبرد بلکه در اثر خشم روزافزون و حس انتقام، ایلاتی که از هم دورافتاده بودند به یکدیگر پیوستند و ترکمن‌های مرو و سرخس یکی شدند و با تعداد کمتر اما با نفرتی بیشتر به چپاول و غارت پرداختند.

۳- سهل‌انگاری و بی‌توجهی دولتمردان قاجار نسبت به اوضاع شمال شرقی ایران در کنار بی‌کفایتی و ضعف دولت مرکزی در برقراری امنیت در این مناطق، زمینه مساعدی برای تجاوزات و تاخت‌وتازهای مکرر ترکمن‌ها فراهم آورده بود.

عامل دیگری که منجر به تداوم این تهاجمات شد، به نوع معیشت ترکمن‌ها برمی‌گشت. آن‌ها زندگی مبتنی بر چادرنشینی داشتند و تنها بخش اندکی از اشتغالشان را کشاورزی تشکیل می‌داد. این مسئله در کنار خوی تجاوزکارانه این قوم زمینه مناسبی برای ترکمن‌ها به وجود آورد تا برای تأمین معاش به غارت سایر اقوام مجاور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

روی‌آورند؛ بنابراین بدهی بود که تجاوزات ترکمن‌ها تا زمانی که مجبور به یکجانشینی شوند، ادامه یابد (زرگری‌نژاد و علیپور، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۳).

زمینه‌های شکل‌گیری قرارداد آخال

روحیه صحرانشینی ترکمن‌ها از یک‌سو و سیاست نابخردانه حکومت مرکزی از سوی دیگر باعث گردید که بین ترکمن‌ها و حکومت مرکزی همیشه جنگ و درگیری وجود داشته باشد (کلته، ۱۳۷۵: ۲). روس‌ها در این زمان به ترکستان چشم دوخته بودند، آن‌ها می‌خواستند تمام ترکستان را گرفته، خزر را به دریای داخلی تبدیل نمایند. همچنین آنان می‌خواستند زمینه را برای رسیدن به آب‌های گرم و جامه عمل پوشاندن به نصایح معروف پترکبیر آماده کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها می‌خواستند که با به دست گرفتن ترکستان، علاوه بر استفاده از منابع سرشار آن، مانع از همسایگی روسیه با هندوستان شوند. لذا این نحوه برخوردها، روابط میان ترکمن‌ها و حکومت مرکزی ایران را تیره‌تر می‌کرد. به دنبال این رویدادها روس‌ها وارد معرکه شده و شروع به تصرف ترکستان کردند، پایگاه‌های ترکمن‌ها یکی پس از دیگری سقوط کرد و در سال ۱۸۸۱ م/۱۲۶۰ ش به‌صورت کامل تحت سیطره روس‌ها قرار گرفت (موسوی، ۱۳۸۳: ۸۹). در سال ۱۸۵۹ م/ ۱۲۳۸ ش روس‌ها به بهانه مقابله با یورش ترکمانان به قوای خود، همچنین با اطلاع از ضعف قدرت مرکزی به خان‌نشین‌های خوقند حمله کردند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۸۵). از سوی دیگر، ناصرالدین‌شاه برای پیشگیری از بهانه حضور روس‌ها می‌دانست که بدون مطیع گرداندن ترکمن‌ها نمی‌توانست در منطقه آرامش نسبی پدید آورد (گلی، ۱۳۶۶: ۱۳۱). تلاش‌های ناصرالدین‌شاه برای انقیاد ترکمن‌ها مؤثر واقع نشد تا حدی که نفرت وی را برانگیخت و پس از شنیدن خبر سقوط گوک تپه، برای اعلام تبریک و تهنیت، سفیری به روسیه می‌فرستد تا مراتب خوشحالی خود را از این اقدام به اطلاع امپراتور روس برساند (رنجبر، حجرین، ۱۳۹۸: ۱۰۰-۹۹).

در بررسی گزارش‌های موجود نقش روس‌ها در جهت‌گیری مناسبات قابل‌توجه است: در شرایطی که سواحل دریاچه خوارزم (آرال) به تصرف روسیه درآمده بود، خان خیوه و دیگر خوانین ماوراءالنهر و دولت ایران می‌توانستند در اتحادی سازنده از مرز و بوم خود دفاع کنند، اما محمدامین، خان خیوه، به مرو لشکرکشید و سلطان مرادمیرزا حسام‌السلطنه، والی خراسان، او را شکست داد. دولت ایران رسماً از امپراتور خواست تا اقدام بازدارنده‌ای علیه ترک‌تازی‌های خیوه‌ای‌ها به مرزهای ایران انجام دهد که به‌نوعی دعوت از روسیه برای حرکت به سمت جنوب بود. به دنبال این درخواست، امپراتور پذیرفت تا به سپاه ایران در این امر یاری رساند (ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱۱). در این دوره شاهد نفوذ بسیار ضعیف حکومت مرکزی بر ایلات ترکمن هستیم به‌گونه‌ای که در عمل ترکمن‌ها در منطقه خود به هر نوع نافرمانی و شورشی دست می‌زدند. این قبایل به روستاهای غیر ترکمن حمله کرده و روستاییان را غارت می‌کردند (انصاری زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۶). در نتیجه تسلط دولت مرکزی بر منطقه بسیار ضعیف و عبور و مرور از مناطق مرزی، خارج از کنترل دولت ایران شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

سیاست‌های جغرافیایی ایران در آستانه قرارداد

ساختار حکومتی در عصر ناصری با فساد بی‌حدوحساب دستگاه دولتی و فروپاشی مقوله امنیت به‌ویژه در مرزها قابل‌بررسی است. فساد و قانون‌شکنی به‌گونه‌ای باور نکردنی، دستگاه حکومت را فراگرفته بود. انحطاط، فساد و سوء تشکیلات دستگاه دولتی از مهم‌ترین عواملی بود که به گسترش نفوذ خارجی‌ها به‌ویژه روس‌ها در ایران کمک کرده بود (نایب پور، ۱۳۹۵: ۸۳).

بی‌شک شیوه حکومت‌داری قاجاریه به افزایش فساد یاری کرده است (کاظم‌زاده، ۱۳۷۲: ۲۷۲). در واقع، دوره حکومت قاجارها را باید نوعی جدایی بین مردم و حاکمان دانست. فساد حاکمان قاجاری و فرمانروایان ایالات و ولایات که محل حکمرانی خویش را به مقاطعه از پادشاهان قاجار می‌ستاندند و از طرفی نفوذ روزافزون و فوق‌العاده روس و انگلیس باعث نارضایتی مردم و فاصله بیشتر آن‌ها با حکومت می‌شد. از این گذشته، شاه به سیاق مستبدان شرقی کشور را اداره می‌کرد و به هیچ‌کس پاسخگو نبود ساختار سیاسی قاجاریه مبتنی بر رژیم خودکامه بود که شاه نقش محوری داشت. عزل و نصب عاملان حکومت با فرمان او بود. تمام جزئیات دخل‌وخرج دولت به امضای او می‌رسید و بنا به میل و اراده شخصی خود فرمان ضبط و مصادره اموال اشخاص را صادر می‌کرد در حکومت او حتی نزدیک‌ترین کسان چون عموها، برادران، برادرزادگان و فرزندان خود او و رجال و اعیان و بزرگان مملکت هم از تعرضاتش مصون نبودند (مستوفی، بی تا: ۳۹۴) این خصلت و خزانه تهی مملکت باعث فشار مضاعف بر رعیت می‌شد.

سرجان ملکم که مدتی در کشور ایران نقش اساسی در امور سیاسی داشت و از نزدیک ساختار قدرت قاجار را مشاهده نموده بود، بر هرج‌ومرج این دوره تأکید دارد (ملکم، بی تا: ۳۸۹). لذا حکومت قاجار رو به تضعیف بود (فوریه، ۱۳۸۹: ۳۷۳). واگذاری امتیازات متعدد به بیگانگان و سیستم مالیات‌گیری به سیاق قدیم درآمد دولت را به‌شدت کاهش داده و همین امر باعث افلاس بیشتر و در نتیجه گرفتن وام از دول بیگانه شده بود، وابستگی بیشتر حکومت و دادن باج به دول بیگانه باعث شکاف بیشتر بین مردم و حکومت شده بود.(کاظم‌زاده،۱۳۷۱). همچنین، ورود گسترده خارجیان به ایران و بالعکس سفر ایرانیان به دول فرنگ، افق دید بسیاری از مردم را تغییر داد و در قیاس اداره مملکت با دیگر مناطق جهان، تفاوت چشمگیری مشاهده می‌کردند که دلسردی از حکومت را در پی داشت این نکته محسوس بود که استعمارگران با ورودشان به دیگر کشورها صنعت، پیشرفت و تکنولوژی که پیامد آن‌ها رفاه و آسایش است، به همراه می‌آوردند. همین امر روح استعمارطلبی آن‌ها را ظریف و قابل‌تحمل می‌کرد و شرایط مقایسه حکومت قاجار با دولت‌های دیگر را فراهم می‌آورد (حائری، ۱۳۷۳: ۹). از طرفی، سیاست انفعالی دولت قاجار در قبال پیشروی روس‌ها و تهیه آذوقه و بنه قشون روس از شهرهای مرزی ایران که با حمایت و پشتیبانی سفیر روسیه در تهران انجام می‌شد، از عوامل اصلی توفیق روس‌ها در سرکوب ترکمن‌ها بود (گرود کوف، بی تا: ۱۶-۱۴). همین عوامل و ظلم و جور حکومت مرکزی ایران و حاکمان ایالات و ولایات، مراودات ایرانیان با روس‌ها و دیگر کشورها و مقایسه حکمرانی آن‌ها با نوع حکومت قاجارها، آزادی اسرای ایرانی از چنگال ترکمن‌ها به‌وسیله سرداران روسی و بازگویی آن برای عوام، دید منفی مردم هنگام عقد قراردادهای گلستان و ترکمانچای نسبت به روس‌ها را کم کرده بود. از طرفی ضعف اقتصادی ایران و فشار و رنج گرسنگی و قحطی‌های پی‌درپی که جان صدها هزار نفر را هرساله می‌گرفت، نارضایتی را هرروز بیشتر می‌کرد و مردم نسبت به مسائل پیرامونی بی‌تفاوت شده بودند و سرخوردگی بیشتر مردم را در پی داشت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

و سبب شد در آستانه عقد قرارداد آخال نوعی بی‌تفاوتی در جامعه ایجاد شود. نبود وسایل ارتباط‌جمعی و انعقاد قرارداد آخال در سکوت، نسبت به سایر قراردادها، مزید بر علت شد تا قرارداد آخال بدون دردسر و به‌راحتی اجرایی شود.

موقعیت خراسان هم‌زمان با قرارداد آخال

موقعیت جغرافیایی ایران و تحولات سیاسی جهان در قرن ۱۹ م سبب شد تا ایران، صحنه کشمکش‌هایی شود که خود در آن‌ها نقشی نداشت به‌گونه‌ای که سیاست استعماری انگلیس در هند، توسعه‌طلبی روس‌ها در منطقه شمالی ایران را به دنبال داشت (اولریخ، ۱۳۷۷: ۱۰۴)؛ (نایب پور، ۱۳۹۵: ۸۴). مصادف با توافق دو کشور روس و ایران، در شمال خراسان و هم‌مرز با نواحی سنی‌نشین ترکمن در دو شهر قوچان و بجنورد، دو طایفه زعفرانلو و شادلو حکومت می‌کردند که از طرف حکومت مرکزی عهده‌دار دفاع از مرزهای این منطقه از کشور بودند. حضور کردها در خراسان به دوره صفوی بازمی‌گردد. طوایف کرد در یک مهاجرت بزرگ به خراسان تحت عنوان اکراد چمشگزک به مناطق مزبور کوچ داده شدند تا علاوه بر کاستن از قدرت آنان در شمال‌غرب ایران، در نواحی شمال‌شرق، مرزدار نواحی سرحدی باشند (توحدی، ۱۳۶۶: ۱۵۲). قوچان و بجنورد مقر حکومت خوانین زعفرانلو و شادلو بود که از این دو شهر، دیگر طوایف کرد را رهبری می‌کردند و از همین دوره، این دو شهر شروع به رشد و آبادی نمودند. حکمرانان خراسان در ازای دفاع از مرزها با اتکا به قدرت ایلات این ناحیه، خراجی به حکومت مرکزی نمی‌دادند و در مواقعی پیشکیش هایی به دربار اهدا می‌نمودند که در ازای آن و یا خدماتی شایان و سرکوب باغیان و راهزنان القاب و عناوینی به آن‌ها اعطا می‌شد.

علاوه بر پاسداری از مرزها، ایلات و عشایر در منازعات داخلی بر له یا علیه شاه یا یکی از شاهزاده‌ها وارد عمل می‌شدند و از این طریق در امور سیاسی دخالت کرده و قدرت خود را هم به رخ می‌کشیدند چنانکه در فتنه سالار در خراسان و فتح هرات، این طوایف دخالت مستقیم و مؤثر داشتند و حتی در فرونشاندن حرکت کلنل محمدتقی خان پسیان نقش اساسی ایفا نمودند (توحدی، ۱۳۷۸: ۲۵۹). این دو شهر به‌علت هم‌جواری با نواحی مرزی و مراودات تجاری و سیاسی با روس‌ها، به نحوی در جریان پیشرفت‌های نظامی، اقتصادی و صنعتی و فتوحات ارضی حکومت همسایه بودند و شناخت آن‌ها از روسیه نسبت به انگلیس بیشتر بود. همچنین به‌علت مراودات تجاری و سیاسی با روسیه و مشاهده قدرت و انضباط آن‌ها در این نواحی، خوانین شادلو و زعفرانلو تعلق‌خاطر زیادتری نسبت به همسایه شمالی داشتند و آسایش ناشی از نظم و انضباط آن‌ها را با دیده تحسین می‌نگریستند. همین عوامل باعث می‌شد در محافل خانوادگی این حکمرانان محلی، از روسیه به بزرگی یاد شود. لرد کرزن می‌نویسد: «خان قوچان با اطلاع از اینکه او مأموری بلندپایه از جانب دولت انگلستان است، اما بر در و دیوار مقر حکمرانی او عکس‌های امپراتوری روس و خانواده او مزین دیوارها بود»؛ حتی کالسکه‌ای از دولت روسیه به او اهدا شده بود که در نوع خود از بهترین‌ها بود (کرزن، ۱۳۷۳: ۱۷۰). به دنبال فتح خانات آسیای میانه، توجه روسیه به خراسان بیشتر شد به‌گونه‌ای که در شهرهای مختلف خراسان در زیر لوای امور تجاری و بازرگانی همواره به جمع‌آوری اطلاعات می‌پرداختند (سهام الدوله بجنوردی، بی تا:۵۶) و برای سهولت در امور موردنظرشان، نماینده رسمی در شهرها داشتند «روس‌ها در گرداگرد خراسان از شمال شرقی تا جنوب شرقی را صحنه فعالیت خود کردند و نفوذ و تحرکات دائمی دارند و تارهای مسکو رفته‌رفته و با اطمینان خاطر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

بر قامت قربانی موردنظرشان یعنی ایران تنیده می‌شود»(کرزن، ۱۳۷۳: ۲۷۴). روس‌ها علاوه بر توسعه نفوذ خود از طریق امور نظامی و تجاری، سعی داشتند تا در محافل خانوادگی خوانین شادلو و زعفرانلو نفوذ کرده و نفرات متمایل به خود را رشد دهند و سپس آن‌ها را به حکومت برسانند. در بجنورد روس‌ها همت و توجه خود را بر روی سلیمان خان فرزند یارمحمدخان که از زنی ترکمن بود، گذاردند؛ زیرا به‌علت حرف‌شنوی ترکمن‌ها از روسیه، سلیمان میرزا آن‌ها را حامی مقتدر می‌پنداشت و چون طبق سنت خانوادگی که از زنی غیر از خانواده-های کرد بود هرگز به‌صورت طبیعی و قانونی نمی‌توانست به حکومت برسد دست به شورشی زد تا با پشتیبانی طوایف مادری خود، یارمحمدخان را سرنگون و خود به حکومت برسد، اما طبق یک دسیسه ابتدا تسلیم شد و سپس او را به قتل رساندند (بهار، ۱۳۷۱: ۳-۲۵۲). در این میان، هجوم بی‌امان و پی‌درپی ترکمن‌ها و قتل و غارت مردم نواحی مرزی که رنگ و بوی مذهبی نیز بدان می‌دادند، نیز معضل دائمی برای حکومت ایران و نواحی سرحدی بود. ترکمن‌ها همچنین با هجوم به داخل مرزهای ایران مزارع را از بین برده، قنات‌ها را خراب می‌کردند و آنچه غارت شدنی بود را با خود می‌بردند و پس از غارت، هنگامی‌که تحت تعقیب قرار گرفتند، در نواحی عاری از سکنه و آب و آبادانی ترکمنستان متواری می‌شدند و از مجازات حکومت مصون می‌ماندند، زیرا تعقیب آن‌ها کار بسیار سختی بود (ئیت، ۱۳۶۵: ۱۸۷). مردم عادی خراسان نیز که همواره در اضطراب و نگرانی ناشی از حمله ترکمن‌ها بودند، از اینکه حکومتی قوی چون روسیه، یوغ اطاعت برگردن آن‌ها نهاده و خوی سرکشی آن‌ها را رام نموده خوشحال بودند و احتمالاً از دست دادن مناطقی را که اطاعتی از حکومت ایران نداشتند و همیشه نیز مزاحم و مخل آرامش و آسایش آن‌ها بوده، با بی‌تفاوتی و رغبت می‌نگریستند. همچنین اوضاع سرحدی و ظلم و جور حکام و نابسامانی اقتصادی کشور، سبب شده بود تا مردم و حتی عده‌ای از رجال حکومتی پیشروی روس‌ها را با غمض عین بنگرند و حتی آن را برای اهالی مناطقی که زیریوغ روسیه می‌رفتند مفید بدانند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۱۰۶). میرزا علی‌اصغرخان امین‌الدوله در خصوص واگذاری سرحدات شمالی معتقد بود، دولت روسیه بعد از تصرف مناطق شمالی ایران و ماوراء خزر، امنیت ایجاد کرده و اصول مملکت‌داری را پیاده نموده است. به‌واسطه نظم و امنیتی که روس‌ها در منطقه ایجاد کرده بودند ناصرالدین‌شاه در این منطقه با آسودگی اردو زده بود (قصابی‌گزکوه، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۰). به‌گونه‌ای که حتی ناصرالدین‌شاه بعد از انعقاد قرارداد آخال، از اینکه از «شر مشتی ترکمن یاغی» (صدقی‌قره‌چشمه، ۱۳۹۴: ۲۰۸) راحت شده به‌نوعی اظهار رضایت کرد.

توسعه‌طلبی روسیه در شمال شرق ایران و تغییر رویکرد دولت- ملت

روسیه‌ی تزاری با پیروزی در دو دوره جنگ و عقد دو قرارداد گلستان و ترکمن‌چای تسلط خود را بر بخش عظیمی از دریای خزر گسترش داد و بیش از گذشته سیاست اقتصادی و نظامی خود را به سرزمین‌های شرق دریای خزر و آسیای میانه متوجه ساخت. از این گذشته، روس‌ها که همواره منطقه ترکمن نشینِ شمال شرق ایران را ملک روسیه دانسته و دولت ایران را در خصوص امور آن منطقه فقط در جریان قرار می‌دادند، پس از شکست سپاه ایران در نبرد مرو در سواحل شرقی دریای خزر، گام‌های بلندی برای تصرف سرزمین ترکمن نشین ایران برداشتند که نمونه آن علی‌رغم اعتراضات ایران، تصرف بخشی از خاک اصلی ایران از جمله روستای قزل‌سو (کراسنوودسک) در سال ۱۸۶۹ م/ ۱۲۴۸ ش و بندر چکشلر در شمال خلیج حسینقلی در سال ۱۸۷۳

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

م/۱۲۵۲ ش بود (گرود کوف، بی تا: ۱۵۳-۱۵۱)؛ اما لازمه تصرّف مناطق ترکمن نشین ایران (آخال و مرو) تهدید ترکمن‌ها از دو طرف شرق (تصرّف خیوه) و غرب (سواحل شرق دریای خزر) بود تا در صورت پیشروی روس‌ها از سواحل شرق خزر به‌سوی منطقه آخال تکه، طایفه تکه‌های مرو نتوانند به آن‌ها کمک‌رسانی کنند. بدین ترتیب، با تثبیت نسبی موقعیت روس‌ها در سواحل شرق خزر (تصرّف قزل سو و بندر چکشلر) و به رسمیت شناخته شدن قلمرو ایران تا رود اترک از طرف دولتین ایران و روس، مقدمات تهدید ترکمن‌ها از شرق (فتح خیوه) فراهم شد (کاظم‌زاده ۱۳۵۴: ۱۷).

دولت روسیه با تصرف قزل سو و چکشلر در سواحل شرق دریای خزر، در پاسخ دولت ایران به اینکه چرا اقدام به تسخیر خاکی می‌کند که همیشه جزو خاک ایران بوده است. جواب داد: آمدن قشون روسیه به ساحل ترکستان هیچ‌گونه اسباب عداوت و خصومتی، نه جهت ایران و نه جهت ترکمن‌ها خواهد بود (گودکف، بی تا: ۲۳۴). گورباچف سیاستمدار روسی در اعلامیه ۱۸۶۴ م/۱۲۴۳ ش اعلام کرد: روسیه قصدی برای تجاوز به ایران ندارد اما «ترکمن‌ها رعایای شاه نیستند و روسیه لازم می‌داند آن‌ها را به جهت دستبردی که به بازماندگان او می‌زنند، تنبیه کند» (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۱۵۹). مصادف با این ایام و هم‌زمان با پیشروی روس‌ها در آسیای مرکزی و سواحل شرق دریای خزر، ترکمن‌ها دچار وحشت شده و خواستار صلح و اتحاد با دولت ایران در برابر روس‌ها شدند، اما پاسخ ناصرالدین‌شاه با توجه به حسّ تنفر از ترکمن‌ها (شکست مرو) و به‌احتمال‌قوی تهدید روس‌ها، منفی بود (ملایی، ۱۳۹۰: ۳۳۸). چنگ‌اندازی روسیه به مرزهای شمال شرقی ایران به دنبال شکست ایران از ترکمنان در سال ۱۸۸۱ م/۱۲۶۰ ش در جنگ مرو آغاز شد و در سال‌های بعد ادامه یافت. با حملات روس‌ها به مناطق ترکمن‌ها و منطقه آخال از سوی آن‌ها، ایران از تجاوزات ترکمنان نجات می‌یافت و دیگر این‌که انگلستان رقیب آسیایی روسیه نیز در این زمان درگیر شورش‌های مستعمراتی خود بود و قادر به اقدام عملی در برابر پیشروی روس‌ها در این منطقه نبود. شکست قشون ایران در جنگ مرو ۱۸۸۱ م/۱۲۶۰ ش از ترکمنان ثابت کرد که دولت قاجاریه قادر به اعمال‌نفوذ در سرزمین آخال نمی‌باشد. روسیه از جنگ مرو بهره‌برداری کرد و بر شدت و سرعت حملات خود افزود. رجال ایران هم که خود را قادر به مقابله با روس‌ها نمی‌دیدند، ناچار با پیشروی روس‌ها کنار آمدند (شمولی و بصیری، ۱۳۹۶: ۵۰). در سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۸۱م/۱۲۵۹و ۱۲۶۰ ش، رهبری عملیات نظامی روس‌ها در آخال به اسکوبلف، قهرمان جنگ‌های روس و عثمانی و رهبری سیاسی نیروی تحت فرمان اسکوبلف به ایوان زینوویف، وزیر مختار روسیه در تهران تفویض شد.

زینوویف نه فقط در آرام کردن دولت ایران، بلکه در جلب پشتیبانی دولت در مورد مسئله حیاتی تهیه خواروبار و وسایل حمل‌ونقل کامیاب شده بود. افسران روس با لباس‌های غیرنظامی در خراسان فرود می‌آمدند تا گندم و شتر به مقدار و تعداد فراوان بخرند. هر جا که مأموران ایرانی، آثاری از مخالفت نشان می‌دادند، مأموران روسی، نشانه‌ای حاکی از احترام خود به ایشان آشکار می‌کردند. یکی از عوامل صلی توفیق روس‌ها در سرکوب ترکمنان، تهیه آذوقه و بنه از ایران برای این لشکر عظیم بود. به عبارت بهتر، لشکرکشی در ترکمنستان بود، ولی حمایت و پشتیبانی از آن در تهران، توسط سفیر روسیه انجام می‌شد (نایب پور،۱۳۹۵: ۹۰). دولت قاجار معتقد بود این پیروزی بر امنیت مرزهای خراسان و مردم آن سامان خواهد افزود. گسترش قدرت روسیه تا آخال مستلزم تحدید مرزهای روسیه و ایران در آن سامان بود.(کاظم‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۷) و (نایب پور، ۱۳۹۵:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

۹۱-۹۰). روس‌ها در ابتدا نواحی شمال غربی ایران را تصرف نمودند و از ضعف ساختاری ارتش ایران و عقب‌ماندگی آن نهایت استفاده را برده و طی دو قرارداد گلستان ۱۱۹۲ ش برابر با ۱۸۱۳ میلادی و ترکمن چای برابر با ۱۸۲۸ م/۱۲۰۷ ش موفق به تصرف نواحی گسترده‌ای از ایران شدند و عملاً تغییرات جغرافیایی در مرزها و ژئوپلیتیک شمال ایران به وجود آمد. این تغییرات در شکل (۲) نشان داده شده است.

شکل (۲). تغییرات جغرافیایی در مرزهای شمال و شمال‌شرق بعد از قرارداد آخال، گلستان و ترکمنچای

این دو قرارداد راه دست‌اندازی بیشتر روسیه در شمال غربی ایران را بست. ایران که همواره در این‌گونه موارد نگاهی به انگلیس داشت تا به‌عنوان رقیب روسیه کمکی به آن‌ها نمای، واکنش مناسبی ندید. انگلیس در برابر فتوحات روسیه، فقط به همین امر بسنده نمود تا برای تربیت و ایجاد نظم و انضباط در قشون ایران صاحب‌منصبانی گسیل دارد و دستمزدشان را بپردازد و در صورت لزوم به ایران مساعدت مالی نمایند (صدقی قره چشمه، ۱۳۹۴: ۱۸۸). رونق سریع مناسبات سرمایه‌داری در روسیه در نیمه‌ی دوم قرن ۱۹ م همراه با رشد کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی که مهم‌ترین دستاورد روسیه شناخته می‌شد، به‌سرعت توسعه می‌یافت؛ بنابراین رشد اقتصادی بازارهای تازه‌ای را برای فروش تولیدات، همچنین تهیه مواد اولیه و نیروی کار و وسایل ارتباطی و حمل‌ونقل را طلب می‌کرد. در این زمینه روس‌ها به اشکال مختلف شروع به دادوستدهای تجاری در ایران کردند. یکی از پیامدهای مثبت تسلط روسیه بر مناطق شمالی ایران و آسیای میانه آن بود که روسیه علیرغم مفاد مختلف سودآور قراردادها با حکام محلی، حق خریدوفروش برده را نداشتند و می‌بایست خریدوفروش برده و نظام بردگی را منسوخ نمایند (رضوی پیرانشاهی، ۱۳۹۶: ۲۰۰).

در نواحی مرزی شمال خراسان، سرکشی ترکمن‌ها و تجاوزات و مزاحمت‌های آن‌ها برای کاروان‌های تجاری و مردم مناطق مرزی و قطع طرق ارتباطی بهانه به دست روس‌ها داد تا با ایجاد پادگان‌هایی در مناطق مرزی، امنیتی برای ساکنان و کاروان‌های تجاری و زیارتی فراهم نمایند و تا حد زیادی دست آن‌ها را کوتاه نمایند. همین امر رضایت مردمان نواحی سرحدی و روسای کاروان‌ها را در پی داشت و نظم و انضباط آن‌ها از طرف همگان تحسین می‌شد و احترامی برای آن‌ها قائل شدند. مضاف بر آن با فتح خوارزم، دسته‌های متعدد اسیران

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

ایرانی که توسط ترکمن‌ها به اسارت برد شده بودند، از زندان‌های خیوه و بخارا به خانه‌هایشان بازگشتند، آوازه این کار در ایران و به‌ویژه نواحی شمال خراسان پیچید و این اقدامات در برابر آثار زخم و جراحات ناشی از خشونت ترکمن‌ها، روس‌ها را در چشم مردم، چهره‌ای ملایم نشان می‌داد (وامبری، ۱۳۸۷: ۲۵۹). بدین ترتیب، دولت روسیه تا جنگ معروف گوک تپه ۱۸۸۱ م/۱۲۶۰ ش و شکست نهایی قبایل تکه، بی‌وقفه به تصرف مناطق ترکمن‌نشین ادامه داد و پس از یک نبرد طولانی و خونین آخرین مقاومت ترکمن‌های آخال در هم شکست. سه روز بعد از فتح گوک تپه، سربازان روس، عشق‌آباد، قهقهه و دیگر نقاط آن منطقه را نیز اشغال کردند (اشپولر، ۱۳۷۶: ۱۱۳) و پیروزی‌های خود را، با انعقاد قرارداد مرزی آخال[۳] به‌صورت قطعی و قانونی درآوردند (انصاری زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹). این اقدامات روند تدریجی پیدایی دولت واحد ترکمن و در رأس آن تلاش‌های ترکمن‌های تکه را متوقف ساخت و سرزمین ترکمن‌های تَکه را با نام «سرزمین ماورای خزر» به خاک خود افزودند. همچنین قرار شد که تعیین مرز با مذاکره مستقیم دو کشور انجام گیرد که این مذاکرات منجر به قرارداد «آخال» در ۱۸۸۱ م/۱۲۶۰ ش گردید (انصاری‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵-۸۹). با این پیمان دولت قاجاریه در دوره ناصرالدین‌شاه، حکومت روسیه را بر این مناطق به رسمیت شناخت و ایران و روسیه برای اولین‌بار در ناحیه شرق دریای خزر با یکدیگر همسایه شدند.

نقش انگلستان در انعقاد معاهده آخال

دوره انعقاد قرارداد آخال، زمانی بود که انگلیسی‌ها به علت درگیری در مستعمرات خود سیاست نرمش و سازش با روس‌ها را در پیش گرفته بودند و ایران که به‌تنهایی خود را قادر به مقابله با این کشور نمی‌دید، به‌ناچار عهدنامه را پذیرفت. (شمیم، ۱۳۷۴: ۱۵۲). زمانی که روس‌ها در آسیای میانه پیشروی می‌کردند، واکنش دولتمردان انگلیس توأم با محافظه‌کاری و تردید بود و به نظر می‌رسد که انگلیسی‌ها به روس‌ها چراغ سبز نشان داده بودند تا حدود معینی پیشروی کنند. این رویه ادامه داشت تا زمانی که برخی از مأموران نه‌چندان بلندپایه حکومت هند خواستار برخورد با روس‌ها شدند (وحید مازندرانی، ۱۳۵۰: ۳۵۱) در واقع انگلیسی‌ها بارها به‌طور محترمانه در مورد ایران با روس‌ها به توافق رسیده بودند انگلیسی‌ها بعد از معاهده آخال به این نتیجه رسیدند که آن‌ها قادر به جلوگیری از توسعه‌طلبی‌های ارضی روسیه در ایران نیستند؛ بنابراین صلاح را در این دیدند که با روسیه بر سر ایران پای میز معامله بنشیند و به توافق برسند (حقیقت، ۱۳۸۱: ۲۲۵). آن‌ها که تا این زمان سیاستشان ایجاد فاصله بین متصرفات خود و روسیه توسط کشورهای ضعیف و پوشالی فاصله بود اکنون به این نتیجه رسیده بودند که این‌گونه کشورهای ناتوان برای ادامه سلطه باید به‌زودی از نقشه جهان محو و بین استعمارگران تقسیم شوند (سارلی، ۱۳۷۳: ۸۹) و (شمولی و بصری، ۱۳۹۶: ۶۲) که نتیجه آن در دو دهه بعد انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ بر سر ایران بود.

۳. پیمان آخال یا پیمان آخال- تکه، معاهده‌ای میان امپراتوری روسیه و ایران قاجار است که در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ (۱۲۹۹ ه.ق/ ۱۲۶۰ ه.ش) برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن نشین شرق دریای خزر بسته شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

جغرافیای تاریخی شمال شرق و معاهده آخال

با ادامه درگیری‌های قاجارها با ترکمن‌ها که منجر به تضعیف دو طرف شد، روس‌ها از این جریان سود بردند و درنهایت، تسلط روسیه بر سراسر مرزها و سرزمین‌های ازدست‌رفته ایران تثبیت گردید. با انعقاد قراردادی که «پیمان سرحدی آخال» نام گرفت، بین وزیر امور خارجه ایران و وزیر مختار روسیه، در تهران به امضا رسید و ایران از دعاوی خود نسبت به ترکستان و ماوراءالنهر صرف‌نظر نمود و رود اترک به‌عنوان مرز بین دو کشور شناخته شد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۸۶). این معاهده که به قرارداد آخال مشهور است در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ م/ ۲۷ شوّال ۱۲۹۸ ه.ق. بین دولتین ایران و روسیه به امضا رسید. طی این قرارداد، مرزهای ایران و روسیه از دریای خزر تا مجاورت روستای بابا دورمز (شرق ناحیه سرخس) مشخص شد. مهم‌ترین هدفی که دولت ایران از تنظیم قرارداد آخال پی‌جویی می‌کرد، همانا برقراری امنیت در مرزهای شمال شرق بود، اما از دید مورّخان روسی، دلایل اصلی قبول قرارداد آخال از طرف دولتمردان حکومت مرکزی ایران (ناصرالدین‌شاه) نداشتن نفوذ سیاسی و معنوی دولت ایران در اراضی و نواحی ترکمن‌ها بود. (ملایی،۱۳۹۰: ۳۴۱). قبل از عقد قرارداد آخال در سال ۱۸۴۲ م/۱۲۲۱ ش با امضای عهدنامه‌ای باید برده‌فروشی در خیوه لغو و امنیت تضمین می‌شد (مرادی و شبانی ثانی، ۱۳۹۲: ۸۱). وقتی روس‌ها خیوه را در سال ۱۸۷۳ م/۱۲۵۲ ش فتح کردند علاوه بر آزاد کردن اسراء روسی چند صد نفر از اسرای ایرانی را نیز که سال‌ها در آنجا در اسارت بودند آزاد کردند و بازارهای برده‌فروشی در خیوه تعطیل شد (موزر، ۱۳۵۶: ۱۲۳). بدین ترتیب، با جدا شدن هرات از ایران تراکمه آخال و مرو که جرأت یافته و نواحی خراسان را ناامن کرده بودند و چون دولت ایران نمی‌توانست جلوی آن‌ها را بگیرد، حاضر به مذاکره با روس‌ها شد تا شاید بتواند از قتل و غارت اشرار ترکمانان جلوگیری کند. به‌موجب این معاهده، در پی تمایل طرفین مبنی بر تعیین سرحدات، وزرای مختار خود را برای این امر تعیین کردند که موجب تحولات اجتماعی – سیاسی و تغییر مرزهای جغرافیایی ایران شد. در پی تلاش آن‌ها معاهده‌ای در ۹ فصل تنظیم شد:

فصل اول: در شرق دریای خزر سرحدات بین ممالک ایران و روس تعیین شد.

فصل دوم: چون فصل اول این قرارداد نقاط عمده خط سرحد بین متصرفات ایران و روس معین شده است، طرفین معاهدین کمیسرهای مخصوص مأمور خواهند نمود که خط سرحد را در محل و به‌طور صحیح ترسیم کرده و عاملات را نصب نمایند.

فصل سوم: دولت ایران متعهد می‌شود که قلاع مزبور را ظرف یک سال از تاریخ مبادله این قرارنامه تخلیه کند. دولت روس هم متقبل می‌شود که در نقاط مزبوره استحکامات بنا نکرده و خانواده ترکمن در آنجا سکنی ندهد.

فصل چهارم: در این فصل شیوه بهره‌برداری از آب رودها و ممانعت از توسعه روستایی تعیین شد.

فصل پنجم: طرفین تعهد می‌نمایند برای تسهیل مناسبات تجاری بین ایالت ماوراء دریای خزر و ایالت خراسان راه‌های ارابه‌رو بسازند.

فصل ششم: دولت ایران متعهد می‌شود در تمام سرحد استرآباد و خراسان خروج هر نوع اسلحه را از ایران برای تراکمه را ممنوع کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

فصل هفتم: دولت روس حق خواهد داشت که به نقاط سرحد ایران مأمور معین کند. مأمورین مزبور در مسائلی که راجع به حفظ نظم نقاط مرزی است و واسطه بین کارگزاران طرفین خواهند بود.

فصل هشتم: تمام تعهدات و شرایط مندرجه عهدنامه و قرارنامه هایی که مابین طرفیت منعقد شده است به قوه خود باقی خواهد ماند.

فصل نهم: این قرار نامه در دو نسخه نوشته شد و به امضای وزرای مختار و تصویب ناصرالدین‌شاه و امپراتور روسیه رسید (وحید مازندرانی، ۱۳۵۰: ۴۳-۱۴۱).

نتیجه‌گیری

عملکرد نادرست ترکمن‌ها به‌عنوان رعایای دولت ایران و دست‌اندازی مداوم آن‌ها به شهرها و روستاهای شمال شرق ایران، به‌خصوص پس از شکست سپاه ایران در نبرد مرو، تأثیر بسیار منفی در نزد حکام قاجار و مردم ایران بر جای گذاشت و هر چه زمان می‌گذشت این وضعیت شدت بیشتری می‌یافت؛ به‌گونه‌ای که در آستانه پیشروی روس‌ها در مناطق ترکمن‌نشین شمال شرق ایران، علی‌رغم اینکه ترکمن‌ها چندین نوبت حمایت و تبعیت خود را اعلام کردند، اقبالی از طرف سیاستمداران دولت ایران نشان داده نشد. به نظر می‌رسید شاه چندان بی‌میل نبود که به‌جای ترکمنان خاطی، با روس‌ها هم‌مرز باشد. این روند و جریان در حالی ادامه می‌یافت که روس‌ها در راستای رقابت با بریتانیا و در راه دستیابی به مستعمرات بهتر و بهره‌مندی هرچه‌تمام‌تر از مستعمرات خود، در اراضی شرقی دریای خزر، به‌طور کامل وارد عمل شده بودند که مداخله آنان در این منطقه، باعث بغرنج‌تر شدن مسئله تراکمه و اهمیت یافتن سرزمین‌های آنان شد. دولت قاجار، در برابر پیشروی روس‌ها در مناطق آسیای مرکزی به‌ویژه نواحی مرزی آخال واکنش درخوری از خود نشان ندادند؛ زیرا بر این باور بودند که کمترین نتیجه تحرکات روسیه، ایجاد امنیت در مناطق شمال شرق ایران و سرکوب فتنه ترکمانان و یاغیان آن قوم بود. به‌گونه‌ای که قبل از انعقاد عهدنامه آخال ترکمانان تا حدود مزینان و میامی پیش روی می‌کردند و اهالی را به اسارت می‌بردند؛ اما پس از انعقاد قرارداد آخال، دامنه نفوذ ترکمنان محدود به مرزها شد.

بر این اساس، توافق طرفین برای سرکوبی ترکمانان در دوره‌ای صورت گرفت که حکومت قاجار در نهایت عجز و ناتوانی خود بود و در برابر روس‌ها و خواست‌های مردم نواحی سرحدی نتوانست مفاد قرارداد را به نفع خود و یا در حالت عادی به‌صورت عادلانه منعقد نماید. این امر اگرچه تبعات سختی برای مردم دام‌پرور و کشاورز نقاط مرزی داشت اما در نبود وسایل ارتباط‌جمعی و بی‌سوادی عامه مردم و وابستگی سیاستمداران مملکت به یکی از دو قدرت آن دوره یعنی روس و انگلیس، بازخورد آن‌چنانی در جامعه نداشت و به‌علت کوتاه شدن دست راهزنان ترکمن از سر مردم و کاروان‌های تجاری و ایجاد امنیت در نواحی خراسان تا حدودی مورد تأیید مردم قرار می‌گرفت که از قِبَل این قرارداد سایه حملات پی‌درپی مهاجان را از سر خود دور دیده و به آسایشی دست یافتند بنابراین با توجه به سؤال تحقیق خواسته دولت قاجار در زمان ناصرالدین‌شاه و عموم مردم منطقه خراسان همراهی با دولت روسیه بود.

با پوشش ضعف دولت مرکزی ایران در نظارت بر حوزه سرزمینی خود دست روسیه را برای کنترل اوضاع در شمال شرق باز گذاشت و زمینه تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی را در شمال شرق ایران و منطقه خراسان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

به نفع روسیه فراهم کرد. از طرفی به‌علت ضعف روزافزون قدرت قاجار و نبود ارتش مدرن و عدم‌حمایت مردم از قاجارها و وقوف حکومت به ضعف‌های بنیادی خود پیشروی روس‌ها با بی‌تفاوتی نگریسته شد و روس‌ها یک گام اساسی در اجرای خواسته‌های خود مبنی بر پیشرفت ارضی به سمت جنوب برداشتند و موجبات تغییرات مرزی و جغرافیای منطقه شمال شرق را فراهم و در قرارداد آخال به اهداف خود دست یافتند. لذا با انعقاد معاهده آخال که برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن نشین شرق دریای خزر میان ایران و روسیه منعقد شد، گرچه ایران بخش‌هایی از قلمرو خود را از دست داد، اما در نهایت امنیت در سرحدات شمال شرقی حاکم شد. اهالی شمال شرقی ایران از حضور ارتش روسیه در ماوراءالنهر عمدتاً راضی بودند. راه کاروان‌های مسافر و تجارت بین تهران و مشهد نیز که سابقاً مورد تهدید دائمی ترکمن‌ها بود، اکنون امن‌تر شده بود.

منابع

ابراهیمی، سیده فهیمه (۱۳۹۸)، اوضاع سرحدنشینان و شیعیان خراسانی در مناسبات سیاسی منغیتیان و قاجارها (۱۱۹۹- ۱۳۴۲ ق) **فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی**، ۱۱(۱): ۱۸-۱.

اشپوار، برتولد و الکساندر بنیگسن (۱۳۷۶)، **آسیای میانه (مجموعه مقالات تاریخی)**، ترجمه کاوه بیات، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۵)، **روزنامه خاطرات**، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

انصاری زاده، سلمان؛ ضرغامی، برزین؛ حیدری موسلو، طهمورث (۱۳۸۹) ارتباط نومادیسم و تکوین مرزهای سیاسی در ایران (مطالعه موردی: ایلات و عشایر ترکمن)، **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، ۱۴(۱۷): ۸۵-۱۰۱.

اولریخ، گرگه (۱۳۷۷)، **پیش به‌سوی شرق؛ ایران در سیاست شرقی آلمان**، ترجمه پرویز صدری، تهران: کتابخانه سیامک.

بجنوردی، سهام الدوله (بی تا)، **سفرنامه‌های سهام الدوله**، تصحیح قدرت الله روشنی زعفرانلو، تهران: علمی و فرهنگی.

بهار، ملک‌الشعرا (۱۳۷۱)، **تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران**، تهران: امیرکبیر.

توحدی، کلیم‌الله (۱۳۶۶)، **حرکت تاریخی کرد به خراسان**، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

توحدی، کلیم‌الله (۱۳۷۸)، **حرکت تاریخی کرد به خراسان**، مشهد: مهشید.

حائری، عبدالهادی (۱۳۷۳)، **نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب**، تهران: امیرکبیر.

حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۸۱)، **روابط خارجی ایران**، تهران: انتشارات کومش.

رضوی پیرانشاهی، سید عباس علی (۱۳۹۶)، پیامدهای اجتماعی و سیاسی نفوذ روسیه در سرزمین‌های شمالی ایران (میانه قرن‌های ۱۹ و ۲۰ م)، **فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)**، ۱۲(۲): ۲۲۰-۱۹۵.

رنجبر، محمود؛ حجرین، مهیار (۱۳۹۸) انعکاس مضامین تاریخی – اجتماعی در رمان «وقت جنگ دوتارت را کوک کن»، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تاریخی جنگ**؛ ۳(۱): ۱۱۲-۹۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]

[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

زرگری نژاد، غلامحسین؛ علیپور، نرگس (۱۳۸۸)، ترکمن‌ها و بردگیِ ایرانیان در عصر قاجار (از آغاز تا انعقاد عهدنامه آخال)، **فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا** . ۱۹(۷۷).

سارلی، اراز محمد (۱۳۷۳)، **تاریخ ترکمنستان** (چاپ اول)، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷)، **ناسخ التواریخ**، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر.

سرافرازی، عباس (۱۳۸۹)، روابط قاجارها و ترکمن‌ها از آغاز تا پایان دوره‌ی ناصری، **پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ**، ۱(۳): ۱۳۶-۱۱۷.

شمولی، همت اله؛ بصیری، محمدعلی (۱۳۹۶)، نتایج و پیامدهای انعقاد معاهده آخال (۱۲۶۰ ش)، **فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی**، ۴(۱۵): ۶۶-۴۹.

شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۴)، **ایران در دوره سلطنت قاجار**، نشر افکار.

صدقی قره چشمه، مهین (۱۳۹۴)، **بررسی تطبیقی علل انعقاد عهدنامه‌های ترکمن چای و آخال**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد.

صفائی، ابراهیم (۱۳۵۵)، **اسناد برگزیده از سپهسالار- ظل السلطان- دبیر الملک**، تهران: انتشارات بابک.

فوریه، ژوآنس (۱۳۸۹)، **سه سال در دربار ایران**، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.

قصابی گز کوه، جلیل؛ وکیلی، هادی؛ اسکندر فاروجی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، علل و پیامدهای جدایی قریه فیروزه از ایران، **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ**، ۶(۲۱).

کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۵۴)، **روس و انگلیس در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۲)، **روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ پژوهشی درباره امپریالیسم** (چاپ دوم)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، **روس و انگلیس در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران: آموزش و انقلاب اسلامی.

کرزن، جرج (۱۳۷۳)، **ایران و قضیه ایران**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.

کلته، ابراهیم (۱۳۷۵) **مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر ترکمن**، انتشارات حاجی طلایی.

گرودکوف، **جنگ در ترکستان**، نسخه خطی شماره ۶۲۳۸ (تهران: کتابخانه ملک)، بی تا صص ۱۵۳-۱۵۱.

گلی، امین‌الله (۱۳۶۶)، **سیری در تاریخ سیاسی- اجتماعی ترکمن‌ها**، تهران: انتشارات علم.

مرادی، مسعود؛ شبانی ثانی، زهرا (۱۳۹۲)، اسارت زوار ایرانی توسط ترکمانان و واکنش حکومت قاجار (سده ۱۹ م)، **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ**، ۴(۱۱).

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸) **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه**، تهران: انتشارات زوار.

ملایی، مصطفی (۱۳۹۰)، ناصرالدین‌شاه و انفعال سیاسی دولت قاجار در قبال پیشروی‌های روسیه در مرزهای شمال شرق خراسان، **پژوهش‌های اسنادی**، ۱(۳): ۳۳۵-۳۴۵.

ملکم، سرجان (بی تا)، تاریخ ایران، ترجمه میرزا حیرت، تهران: سعدی.

موریه، جیمز جاستی نین، (۱۳۸۶)، **سیاحت در ایران و ارمنستان و آسیای شرقی و استانبول**، ترجمه ابوالقاسم سّری تهران: انتشارات توس.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]

[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]

موزر، هنری (۱۳۵۶)، **سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)**، ترجمه: محمد گلبن، تهران: انتشارات سحر.

موسوی، محمدکاظم (۱۳۸۳)، **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی**، تهران: مرکز دایرةالمعارف اسلامی، چاپ پنجم، ج ۱.

نایب‌پور، محمد (۱۳۹۵) عهدنامه آخال ۱۸۸۱ م: زمینه‌ها و شرایط منجر به امضای قرارداد، **پژوهشنامه مطالعات مرزی**، ۴(۳): ۸۱-۱۰۵.

وامبری، آرمینوس (۱۳۸۷)، **سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه**، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران: علمی و فرهنگی.

وحید مازندرانی، غلامعلی (۱۳۵۰)، **مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی**، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵)، **روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴)، **تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵)، **تاریخ روابط خارجی ایران**، تهران: انتشارات امیر کبیر.

ئیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، **سفرنامه خراسان و سیستان**، ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو، تهران: یزدان.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.173.6]

[DOI: 10.52547/jgs.24.72.139]